

اجلاس بین‌المللی صلح در نیویورک؛ آنچه یهود با سلاح به آن نرسید، با توطئه‌ها به دست می‌آورد!

اجلاس بین‌المللی درباره حل‌وفصل مسالمت‌آمیز مسئله فلسطین و اجرای راه‌حل دو دولتی که در فاصله ۲۸ تا ۳۰ ژوئیه ۲۰۲۵ در نیویورک با ریاست مشترک عربستان سعودی و فرانسه برگزار شد، بیانه پایانی‌ای تحت عنوان «اعلامیه نیویورک» صادر کرد؛ که در آن، توافق بر سر اتخاذ «گام‌های ملموس» و «وابسته به چارچوب زمانی و غیرقابل بازگشت» برای حل مسئله فلسطین اعلام شد.

افزون بر مشارکت عربستان در ریاست این اجلاس در کنار فرانسه، همچنین اتحادیه عرب، مصر، اردن، قطر، ترکیه، اندونزی، سنگال، بریتانیا، اتحادیه اروپا و دیگر کشورها نیز در آن مشارکت داشتند.

اگر نگاهی سریع به اعلامیه نیویورک بیندازیم، درمی‌یابیم که این اجلاس که در ظاهر برای توقف گرسنگی تحمیل‌شده بر مردم غزه، پایان دادن به جنگ و به رسمیت شناختن کشور فلسطین برگزار شده، در باطن و افزون بر آنچه به صراحت در آن آمده، در حقیقت برخلاف آن است؛ چراکه این اعلامیه، خط اصلی عریضی را ترسیم می‌کند که در صورت اجرا، تحقق چیزی را تضمین می‌کند که ماشین نظامی اشغال‌گر با زور، نسل‌کشی و گرسنه‌داشتن نتوانسته آن را بر زمین محقق سازد. همچنین، بر آن است که بندهای آن برای رژیم یهودی پذیرفتنی باشد و مشروعیت کامل برای تمام اقداماتش ببخشد. این اعلامیه، هنگام سخن گفتن از آنچه از اشغال‌گر خواسته می‌شود، از عباراتی چون «درخواست کردیم»، «حمایت کردیم»، «فراخوان دادیم» استفاده می‌کند، اما هنگام اشاره به آنچه از مردم فلسطین خواسته می‌شود، از عبارتهایی چون «باید»، «لازم است»، «متعهد شدیم» بهره می‌برد.

از آنجاکه اینجا برای بررسی همه بندهای اعلامیه کفایت نمی‌کند، بخشی از آن را جهت تبیین موضوع ذکر می‌کنیم، چراکه:

- میان قربانی و جلاد در خصوص اقدامات جنگی تساوی قائل شده، با وجود آن که جهان شاهد جنایت نسل‌کشی‌ای بوده که بیش از شصت هزار شهید برجای گذاشته، ویرانی گسترده‌ای که بیشتر مناطق نوار غزه را غیرقابل سکونت ساخته و همچنین کوچ اجباری و گرسنه‌داشتن.
- مبارزان را به تحویل سلاح ملزم کرده و متعهد می‌شود که هرگونه کشور فلسطینی‌ای که بر پایه پروژه راه‌حل دو دولتی تأسیس شود، به‌طور کامل خلع سلاح خواهد بود، به بهانه آن که از حمایت بین‌المللی برخوردار خواهد شد.
- حماس را ملزم به آزادسازی تمام اسرا و بازگرداندن تمامی اجساد کرده، اما اشغال‌گر را به آزادسازی تمام اسرا در بازداشتگاه‌هایش ملزم نمی‌سازد، بلکه این امر را منوط به معامله تبادل می‌کند.
- حماس را به تحویل کامل نوار غزه به تشکیلات خودگردان فلسطین تحت نظارت بین‌المللی وامی‌دارد و اعزام هیئتی بین‌المللی موقت برای تحقق این امر را تأیید می‌کند.
- تأسیس دولت فلسطین را با ادغام موجودیت یهودی، تأمین امنیت آن، عادی‌سازی و همزیستی پیوند می‌زند.
- پای‌بندی به تدابیر و برنامه‌های مبارزه با تروریسم و تحریک و تقویت فرهنگ صلح از طریق تمام سکوها، از جمله به‌روزرسانی برنامه‌های درسی فلسطینی را اعلام می‌دارد.
- بر الزام گروه‌ها به کنار گذاشتن خشونت و اتخاذ تدابیر سخت‌گیرانه علیه هر کسی که با طرح حل‌وفصل پیشنهادی مخالفت کند، تصریح کرده است.
- از پشتیبانی مالی، آموزش و نظارت بر نیروهای امنیتی فلسطینی از طریق شرکای بین‌المللی و منطقه‌ای سخن گفته است.

از آنچه گذشت و آنچه ذکر نشد، روشن می‌شود که این‌ها در حقیقت همان مطالبات یهود هستند: این که حماس تسلیم شود، سلاحش را تحویل دهد و از حکومت بر غزه کنار برود؛ امری که ترامپ و دولت او نیز آن را بیان کرده‌اند.

بنابراین اهداف جنگی که نتانیاهو آن‌ها را تعیین کرده و از تحقیقشان ناتوان مانده بود، اکنون قرار است از طریق اجلاس بین‌المللی، توسط تشکیلات خودگردان فلسطین و با حمایت و مشارکت بین‌المللی محقق شود؛ به این معنا که تشکیلات، نوک پیکان جهان برای تحقق اهداف یهود در این جنگ خواهد بود؛ جنگی که آمریکا بر آن تأکید کرده است و این مأموریت، فراتر از جنگیدن با مجاهدین است؛ بلکه کار به مبارزه با «افراط‌گرایی» نیز می‌رسد. به گونه‌ای که گفتن این که «فلسطین باید از بحر تا نهر آزاد گردد»، افراط است؛ مطالبه حاکمیت شریعت الله سبحانه و تعالی، افراط است و این که سرزمین فلسطین وقف اسلامی است نیز افراط به شمار می‌رود؛ اما تحریک چیست؟ دعوت مسلمانان به انجام وظیفه‌شان نسبت به فلسطین، فراخوان برای حرکت ارتش، ستایش جهاد و مجاهدان و دعوت به عدم پذیرش پیمان‌های صلح، همه این‌ها تحریک محسوب می‌شود. از این رو، کسی که قرار است فردای روز بعد، حاکم غزه باشد، فقط مأمور جنگیدن با مجاهدان نیست، بلکه باید با هر دعوتی که بتوان آن را تحریک یا افراط‌گرایی نامید، بجنگد و با هر دعوتی که به اسلام به مثابه نظام، تمدن و مرجعیت در برابر غرب و تمدنش مرتبط باشد، به مقابله برخیزد؛ چراکه غرب، آن را افراط‌گرایی می‌داند. هر دعوتی که خواستار حرکت بر پایه احکام اسلام در قبال فلسطین یا غیر آن باشد، افراط به حساب می‌آید. به عبارت دیگر، از حاکمی که بر پایه اجلاس صلح قرار است روی کار بیاید، خواسته می‌شود که با اسلام و دعوتگران آن در غزه و سراسر فلسطین بجنگد؛ بلکه فراتر از آن، چراکه اعلامیه شامل تغییر برنامه‌های درسی نیز هست آن هم پس از همه تغییراتی که پیش‌تر منجر به مسخ آن‌ها شده بود.

همچنین بر پایه این اعلامیه روشن می‌شود که تمام اقدامات مورد انتظار از تشکیلات، باید تحت آموزش آمریکایی‌ها، اروپایی‌ها و نهادهای بین‌المللی انجام شود؛ همان نیروهایی که پیش‌تر تحت آموزش «دایتون» بودند تا «فلسطینی جدید» را تربیت کنند؛ فلسطینی‌ای که آماده جنگیدن با مردم خود، یورش به اردوگاه‌ها و هماهنگی امنیتی (جاسوسی) است. همین نیروها طبق مفاد اجلاس آموزش خواهند دید تا دشمن هر کسی باشند که به خود اجازه دهد سلاحی علیه یهود بردارد؛ یعنی سربازانی برای محافظت از یهود و برای طراحی و تولید «فلسطینی رام و بی‌آزار» که اگر گرگ او را هم بخورد، مخالفت نکند؛ چراکه «صلح و همزیستی» را حتی در حال مرگ هم مقدس می‌شمارد.

در نهایت، تمام این شروط و مطالبات، چه از طریق این اجلاس و چه از طریق غیر آن، اگر اجرایی شود، تشکیلات خودگردان فلسطین با پیشینه شناخته شده‌اش آمادگی کامل برای اجرای دقیق و مو به موی آن را دارد؛ به گونه‌ای که از خود پادشاه هم پادشاه‌تر باشد؛ یعنی از خود یهود، آمریکا، نظام بین‌المللی و حاکمان مسلمان نیز فراتر رود.

همه این‌ها، در برابر نبود هرگونه تضمین یا اقدام بین‌المللی قابل توجهی است که یهود را به چیزی وادار کند؛ بنابراین، وضعیت کنونی ادامه خواهد یافت و تحقق این که یهود چیزی به تشکیلات بدهد، غیرممکن است چه برسد به تأسیس کشور مستقل فلسطینی!

خلاصه آن که تمام آنچه اجلاس که در ظاهر برای هم‌دردی با مردم غزه برگزار شد، ارائه کرده، چیزی نیست جز تلاشی برای ساختن پیروزی‌ای که یهود از دستیابی به آن ناتوان ماند؛ تلاشی برای تأمین امنیت او و ادغامش در منطقه اسلامی، بدون هیچ‌گونه دستاوردی در برابر آن، جز افزایش کوچ اجباری و محاصره خفه‌کننده غزه و کرانه باختری و سازوکار این امر، مطابق همین اجلاس و اعلامیه‌اش، این است که آنچه از مردم فلسطین خواسته شده، باید فوراً و قاطعانه انجام شود و آنچه از اشغال‌گر خواسته می‌شود، مشروط به مذاکرات جدیدی خواهد بود که تمام ابزارهای تحقق اهدافش در اختیار اوست!

برگرفته از شماره ۵۵۹ جریده الرایه